

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۲۳ فبروری ۲۰۱۳

گوشت خواری یا گیاه خواری!؟

(بخش دوم)

اما تجارب قبلی نشان داده است که قدرت شرکت های سرمایه داری بیش تر از دولت هاست! قبل از این ها نیز بیماری های مسری دیگری چون جنون گاوی و انفلانزای مرغی، بهداشت عمومی در سطح جهان را مورد تهدید قرار داده بودند. چندی پیش جاپان، چین و افریقای جنوبی نیز به تازگی در پی کشف یک مورد بیماری جنون گاوی واردات گوشت گاو خود را از برزیل به صورت موقت به حالت تعلیق در آوردند.

برزیل یکی از صادرکنندگان اصلی گوشت گاو در جهان به شمار می رود و ایران نیز یکی از مشتریان دائمی آن به شمار می رود. بر اساس اعلام وزارت امور خارجه برزیل، این کشور از ماه جنوری سال گذشته تا اکتوبر یک میلیون تن گوشت گاو صادر کرده و بیشتر گوشت صادراتی این کشور وارد روسیه شده است.

در اوائل دی ماه [جدی] ۱۳۹۱، با توجه به این که یک رأس گاو برزیلی سیزده ساله در ایالت «پاران» در جنوب برزیل بر اثر بیماری جنون گاوی تلف شد و از آن جایی که ایران یکی از واردکنندگان گوشت قرمز از برزیل است، موجبات نگرانی ایرانیان را فراهم آورده است. به گزارش سایت تابناک، اقدام بیشتر کشورها حتی کشورهای کمتر توسعه یافته در رویارویی با این بیماری بسیار ضربتی و سریع است، چرا که این بیماری از جمله بیماری های ویروسی فوق العاده خطرناک است که درمان شدنی هم نیست؛ برای نمونه چند سال گذشته، کشور انگلستان به محض مثبت اعلام شدن نتیجه آزمایش ابتلا به جنون گاوی در یک رأس از دام های این کشور، سریع نسبت به نابودی چند هزار رأس دام در منطقه آلوده اقدام و آلودگی را در نطفه نابود کردند.

دکتر عابد فتاحی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان حکومت اسلامی، در پاسخ به این سؤال خبرنگاری که «برخی کشورها واردات گوشت از برزیل را ممنوع کرده اند و مسئولان کشور منتظر چه هستند»، گفته است: «در برخی موارد، افرادی در زمینه های اقتصادی هستند که واردات دارند. ما نیز چندین بار وزیر کشاورزی را خواسته ایم تا درباره سبزیجات، میوه و دیگر مواد غذایی از وی پرسیم و نیز توضیح خواسته ایم. دکتر شیپانی، معاونت غذا و داروی وزارت بهداشت را نیز خواسته ایم و بحث های مفصلی در این رابطه داشته ایم؛ اما واقعیت این است که درباره گوشت های وارداتی بحثی در کمیسیون نشده و اگر کمترین مسأله ای باشد، وزیر کشاورزی و وزیر بازرگانی و معاونت غذا و دارو و کارشناسان را به کمیسیون دعوت خواهیم کرد.»

می بینم که خبرنگار در مورد گوشت های وارد شده از برزیل سؤال می کند اما این مقام حکومت اسلامی، از جواب صریح طفره می رود و درباره سبزیجات و میوه ها سخن به میان می آورد؟! البته در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، جان آدمیزاد، نه تنها ارزشی ندارد، بلکه حکومت نیز به بهانه های مختلف گروه گروه انسان ها اعدام می کند.

در چنین وضعیتی، انتظار این که در این کشور بهداشت عمومی مردم رعایت شود انتظار نا بجائی است! در ایران، بارها اعلام شده است که فلان رستوران به دلیل استفاده از گوشت خر تعطیل شده است و... بارها گفته شده است که سپاه پاسداران به عناوین مختلف گوشت های آلوده را وارد بازار ایران کرده است. بنابراین، استفاده از گوشت های آلوده در کشوری چون ایران، عمومیت دارد و کسی هم اهمیتی به این امر مهم انسانی و بهداشت عمومی جامعه نمی دهد.

چند سال پیش گوشت های وارداتی آلوده در تهران از جمله باعث مرگ خانواده ای شد که ظاهراً تحقیق درباره آن، در دستور کار مجلس هم قرار گرفت. یکی از نمایندگان مجلس، به نام دکتر نوری از جمله مأمور تحقیق در این باره شد که ناگهان گفته شد او در راه مأموریت در یک تصادف اتوموبیل جان سپرده است. همان موقع برخی گفته ها و شنیده ها در جامعه این بود که گوشت های آلوده را قاچاقی، سپاه پاسداران از طریق اسکله های مخفی در خلیج فارس وارد کشور کرده و احتمالاً این نماینده نیز توسط این ارگان مخوف به قتل رسیده است. این تحقیقات ارگان های حکومت اسلامی در زمینه قاچاق کالا و غیره، تا به امروز ادامه داشته اما هنوز نتیجه ای نداده است!

در اوایل آبان ماه [عقرب] سال جاری نیز قاضی پرونده گوشت های آلوده پس از تحقیقات طولانی متوجه شد که گوشت های مذکور از امارات وارد شده اند. جای تعجب است که وزیر بهداشت و درمان بدون تحقیقات در یک ماه پیش مسیر ورود گوشت ها را اعلام کرده بودند.

از زمانی که توسط محققین وزارت بهداشت ایران کشف شد که گوشت های تاریخ گذشته باعث سقط جنین می شود، مصرف این گوشت ها در مراکز بهداشت و کنترل جمعیت افزایش یافت؟! رئیس سازمان دامپزشکی نیز گفته بود که «تجار شرافتند و کارخانجات معتبر هیچ گاه با استفاده از گوشت های آلوده با حیثیت خود بازی نمی کنند.»

ریاست مجلس نیز در سخنانی در ارتباط با گوشت های آلوده به مسئولین توصیه کرد که قضیه گوشت ها را پیگیری کنند و ملاحظه کسی را نکنند. ریاست مجلس در پیامی دیگری «شجاعانه!» اعلام کردند که اگر اصل قضیه گوشت ها را به مردم نگویند خودم بعداً می گم. همه دنبال پشت پرده هستند البته معلوم نیست پشت پرده کسی هست یا نه؟ البته یکی از این قاچاقچیان گوشت، «شکیبائی» نام دارد که پرونده قاچاق گوشت زیاد هم دارد و چون مخبر حفاظت و اطلاعات است و کارت شناسائی او را قاضی دیده، کسی با او کاری ندارد. در این میان، سخنگوی دولت نیز در مصاحبه ای که در مطبوعات با تیتیر درشت چاپ شد گفت: «دولت حاضر است هرگونه همکاری را با قوه قضائیه برای قاچاق کالا انجام دهد»!؟

سه شنبه ۱ اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۱، روزنامه حکومتی همشهری، نوشت: بعد از رنگین شدن سفره های مردم ایران به برنج های هندی، اینک خبرهای منتشره حکایت از واردات انبوه گوشت گاومیش هندی به ایران دارد. هم زمان با این رخداد، برخی گزارش ها ابهاماتی را در باره میزان سلامت و بهداشت و کیفیت این نوع گوشت ها ایجاد کرده است. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به اخبار و گزارش های پیرامون ورود گوشت های آلوده به کشور به ویژه گوشت گاومیش هندی واکنش نشان داد و ادعا کرد: «وزارت بهداشت بررسی های لازم را در مورد این گونه گوشت ها انجام داده است و نگرانی خاصی در این زمینه وجود ندارد.» همشهری می نویسد؛ اظهارات وزیر بهداشت در رابطه با ورود گوشت آلوده به کشور در حالی بیان می شود که طی روزهای اخیر گزارش های نگران کننده ای درباره واردات گوشت گاو و گاومیش هندی در رسانه ها و سایت های خبری انتشار یافته بود. یکی از خصوصیات بارز این نوع گوشت که به گفته پاره ای از کارشناسان از هند وارد می شود ارزان بودن آن است. در حالی که گوشت برزیلی که از یک کشور دارای صنعت دامداری قوی و حجم زیادی از دام وارد می شود، بر پایه اظهار نظر این کارشناسان اکنون با بهائی بالاتر از گوشت وارداتی از هند در بازار به فروش می رسد. یکی از نگرانی ها در این نهفته است که با توجه

به این که گاو در هند مقدس شمرده می شود و ذبح آن به ویژه در میان پیروان مذهب هندو صورت نمی گیرد، گوشت های وارداتی مربوط به گاوهای ذبح شده نباشد که اکنون به عنوان گوشت صادراتی ارزان از این کشور به برخی از کشورهای دیگر نظیر ایران صادر می شود.

تاکنون گوشت هندی تنها ۵ درصد از واردات گوشت به ایران را به خود اختصاص داده و ۹۵ درصد مابقی گوشت مورد نیاز کشور، هم چنان از برزیل وارد می شود؟ ... در جایی که برآوردهای کارشناسان نشان می دهد که به احتمال زیاد گوشت گاو هندی متعلق به گاوهای مسن است...

قبل از این، ایران، یکی از بزرگ ترین خریداران گوشت از برزیل بوده است. روزنامه اعتماد در تاریخ پنجشنبه ۳۰ آذر [قوس] ۱۳۹۱، در گفت و گوئی با دکتر محبی، نایب رئیس دامپزشکان ایران، درباره عدم ممنوعیت واردات گوشت از برزیل به ایران، چنین سؤال می کند: «به نظر شما چرا ایران نباید تن به چنین ریسکی بدهد در حالی که کشورهای دیگر واردکننده گوشت از برزیل در این مورد ریسک نکرده اند؟ محبی: چون فرق می کند که سیاست تجاری کشورها با برزیل در چه سطحی باشد. یکی این که کیفیت گوشت برزیل خوب است و دوم این که توسط آوآی ای یا سازمان بهداشت جهانی دام، این کشور جزو کشورهایی است که بیماری جنون گاوی در آن قابل اغماض است...»

این در حالی که برخی از کشورها، واردات گوشت گاو از برزیل به کشورشان را ممنوع کرده اند. چون که احتمال می دهند آن ها به بیماری «جنون گاوی» آلوده باشند. وزیر تجارت خارجی برزیل، در رابطه با صدور گوشت هایی که احیانا به جنون گاوی آلوده است به کشورهای مختلف گفته است: «شش کشور از جمله چیلی بعد از کشف یک نمونه از بیماری جنون گاوی در برزیل در ماه گذشته واردات گوشت گاو خود را از برزیل ممنوع اعلام کردند.

چین، جاپان، افریقای جنوبی، عربستان سعودی، چیلی و اردن شش کشوری هستند که واردات گوشت گاو برزیلی را به کشورهای خود ممنوع اعلام کرده اند. به گزارش «ایسنا»، ۱۴ جدی ۱۳۹۱، برزیل که بزرگ ترین صادرکننده گوشت گاو در جهان است، اعلام کرده در صورتی که این شش کشور ممنوعیت های خود را لغو نکنند از آن ها به سازمان جهانی تجارت شکایت خواهد کرد.

بیماری جنون گاوی (B.S.E) يك بیماری کشنده و دژنراتیو عصبی مغزی قابل انتقال گاو می باشد. این بیماری يك هفته تا چند ماه بعد از بروز علائم بالینی باعث مرگ دام می شود. میانگین زمانی دوره بیماری ۴ تا ۵ سال است. علائم بالینی این بیماری شامل بروز رفتارهای عصبی می باشد.

قبل از سال ۱۹۸۵، هیچ کس شناختی از بیماری جنون گاوی نداشت. مدت ها قبل دامپزشکان پتالوژیست يك بیماری ناشناخته را که غیرقابل تشخیص بود گزارش دادند و تا سال ۱۹۸۷، مشکلی دال براین که این بیماری به صورت اپیدمی در حال پیشرفت باشد، وجود نداشت. مطالعات انجام گرفته بر روی موارد آلوده منتج به این شد که پودر استخوان و پودر گوشت تولیدی تنها فرضیه ای بود که به عنوان عامل بیماری غیرقابل تشخیص اعلام گردید.

بر اساس مطالعات اپیدمیولوژیک انجام گرفته منشأ بیماری گاوهای بوده است که از پودر گوشت و پودر استخوان نشخوارکنندگان تغذیه نموده اند. عامل بیماری به صورت محیطی و تماس مستقیم قابل انتقال نبوده تنها راه انتقال اثبات شده از طریق تغذیه بافت های آلوده از جمله پودر گوشت و پودر استخوان می باشد، شواهدی دال بر انتقال عمودی عامل بیماری از طریق جفت برای گوساله های متولد شده از دام های آلوده وجود دارد ولی تا حال حاضر مکانیزم بیولوژیک آن هنوز مشخص نیست و از دیدگاه اپیدمیولوژیک این روش معنی دار نمی باشد.

در چهارم مارچ سال ۱۹۹۲، کمیته SEAC بر اساس آخرین تحقیقات و مطالعات انجام گرفته خود برای امنیت بهداشت انسانی و دامی دستورالعمل های لازم الاجرای فراوانی را صادر کرد تا سال ۱۹۹۳ تعداد موارد بیماری جنون گاوی

افزایش پیدا کرد و به ۱۰۰۰۰۰۰ مورد رسید. از تاریخ ۱۹۹۳ میلادی به بعد تعداد موارد بیماری گزارش شده کاهش پیدا کرد.

وزارت کشاورزی امریکا نیز از پیدا شدن فقط یک نمونه جنون گاوی در ایالت کالیفرنیا این کشور خبر داده است. اما با وجود تأیید وزارت کشاورزی امریکا در عدم وجود نمونه های بیشتر از این بیماری، مصرف کنندگان در این کشور نسبت به این خبر ابراز نگرانی می کنند. مسؤولان وزارت کشاورزی امریکا می گویند نمونه کشف شده در حین آزمایشات ادواری در دامداری های امریکا کشف شده و حیوان مورد نظر نیز کشته شده است.

یکی از کارشناسان مؤسسه حمایت از مصرف کنندگان در امریکا می گوید: «ما نمی دانیم که چه تعداد دیگر از دام ها به این بیماری مبتلا هستند. سالانه چهل هزار رأس گاو آزمایش می شوند و این در حالی ست که گوشت بیش از ۳۰ میلیون دام سالانه در میان مصرف کنندگان توزیع می شود. میزان آزمایش شده حتی کم تر از یک درصد میزان گوشت های مصرف شده است.»

صنعت دامداری امریکا با داشتن بیش از ۹۰ میلیون رأس دام، از مهم ترین فعالیت های اقتصادی در برخی از ایالت های این کشور از جمله تگزاس و کالیفرنیاست.

در نخستین واکنش خارج از مرزهای امریکا، [کوریای جنوبی](#) که از بدو اعلام این خبر واردات گوشت از امریکا را متوقف کرده است. کوریای جنوبی، ۳۷ درصد از گوشت خود را از محل واردات از کشور امریکا تأمین می کند. این کشور همراه با کانادا، جاپان و مکزیک وارده کننده های اصلی گوشت گاو از امریکا هستند که تقریباً ۳۵۳ میلیون دلار سالانه عاید امریکا می کنند.

یک بیماری مسری دیگری که برای انسان، خطرناک است انفولانزای مرغی است. در سال ۱۹۶۱، نوع خاصی از انفولانزای تیپ A در پرندگان موجود در افریقای جنوبی شناسایی شد. این بیماری برای مرغ ها بسیار خطرناک ولی برای انسان بی خطر بود. انفولانزای مرغی انسان ها را مبتلا نمی ساخت یا شاید این طور تصور می شد. اما در ماه می سال ۱۹۹۷، پزشکان و ویروس شناسان شاهد بروز یک طغیان انفولانزای بودند که خاطرات مربوط به اپیدمی انفولانزای سال ۱۹۱۸ را در ذهن آن ها تداعی می کرد. این بیماری جدید از انفولانزای تیپ A بود و انفولانزای مرغی یا انفولانزای هنگ کنگی نام گرفت. اولین بیمار مبتلایی که در اثر این بیماری فوت کرد یک کودک سه ساله بود.

نکته عجیبی که همه دانشمندان ویروس شناس و پزشکان را متعجب ساخته بود، آن بود که ویروس در این کودک منجر به بروز بیماری شده است که قبلاً تصور می شد فقط پرندگان را مبتلا می سازد. در طول تاریخ بشری تا آن زمان هنوز چنین ویروسی از بدن انسان جدا نشده بود. این ویروس، ۱۵ نفر را مبتلا ساخت و آن ها را کشت.

اولین انسانی که به دلیل انفولانزای مرغی جان باخت دارای تماس مستقیم با مرغ ها بود و بنابراین، انتقال از مرغ به انسان قطعی است. انفولانزای مرغی ماکیان را مبتلا می کند و عامل مولد آن ویروسی است که با ساختار فیزیکی پرندگان سازگار شده است. با وجود این که این بیماری مخصوص ماکیان است، اما در سال های اخیر ظاهراً این ویروس به گونه های دیگر جانداران نیز منتقل شده و موجب ابتلای انسان ها به این بیماری شده است. در مقابل، ویروس انفولانزای فصلی، به ویژه با بدن انسان سازگار می شود. خلاف انفولانزای مرغی، انفولانزای فصلی به آسانی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود و هر ساله جان صدها هزار تن را می گیرد.

طبق گزارش ها و آمارهای به دست آمده، از آخرین پژوهش ها، تاکنون ۵۰ تن به بیماری انفولانزای مرغی مبتلا شده اند که حدود ۸۰ درصد آن ها جان باختند و تقریباً تمام آن ها از منطقه جنوب شرق آسیا و خاور میانه بوده اند.

این ویروس، اغلب در فضولات پرندگان یافت می‌شوند و مرغدارانی که این ویروس را تنفس می‌کنند به آن مبتلا می‌شوند. انتقال بیماری از انسان به انسان بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد. آن چه این بیماری را برای انسان خطرناک می‌کند، این است که ویروس آن به شکلی دچار جهش ژنتیک و تغییر رفتار شود که بتواند از انسانی به انسان دیگر منتقل شود. در نتیجه این امر، شیوع بیماری بسیار گسترده خواهد شد. خطرناک‌تر از این وضعیت آن است که ویروس مرغی بتواند فردی را آلوده کند که هم زمان به بیماری انفلوآنزای انسانی مبتلاست.

در صورتی که ژن‌های ویروس‌های مرغی و انسانی در این شرایط با یکدیگر ترکیب شوند ویروس می‌تواند از فردی به فرد دیگر منتقل شود و در نتیجه یک انفلوآنزای عالم‌گیر شایع خواهد شد. تقریباً هیچ فردی به طور طبیعی در برابر ویروس جدید مصونیت نخواهد داشت. در حالی که این ویروس می‌تواند ظرف ۶ ماه به همه مناطق جهان برسد.

تب بیمار ممکن است به مدت یک روز فروکش کند. بیمار به سختی تنفس می‌کند و به تدریج سرفه‌ها آغاز می‌شود. هم‌زمان با کم‌رسیدن اکسیژن به مغز در اثر اشکال در تنفس حالت کوما و مرگ به همراه خواهد داشت. از آن جا که علائم انفلوآنزای مرغی بسیار مشابه انفلوآنزای معمولی است، خطر آن این است که ممکن است پزشکان نتوانند تفاوت آن‌ها را تشخیص دهند. اما در صورتی که این بیماری ظرف ۴۸ ساعت تشخیص داده شود و بیمار تحت درمان خاص بیماری مانند مصرف داروی ضد ویروسی Tamiflu قرار گیرد، بیمار معمولاً بهبودی کامل به دست می‌آورد.

تاکنون به منظور توقف این بیماری میلیون‌ها مرغ، جوجه و مرغابی در کشورهای آلوده شده آسیایی به منظور کاهش خطر ابتلا در میان پرندگان و انسان‌های سالم، کشتار شده‌اند. گفتنی است موارد جهانی انفلوآنزا در سال‌های ۱۹۱۸، ۱۹۵۷ و ۱۹۶۸ در دنیا، منجر به از بین رفتن بیش از میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا شد. منشأ این انفلوآنزا در کشور اسپانیا بوده است.

اگر گوشت خواران، نحوه کشتن حیوانات را از نزدیک ببینند شاید دیگر اشتیاهی و روحیه‌ای برای خوردن گوشت نداشته باشند. شاید تاکنون در مورد خوردن گوشت سگ و گربه و موش توسط جوامع خاور دور در یکی از رسانه‌ها شنیده یا خوانده باشید. و قبول این حقیقت به باور برخی‌ها غیرواقعی و وحشتناک و حتی دردمندانه باشد.

اما این در حالی است که در کشورهای آسیای شرقی، مصرف گوشت تقریباً همه حیوانات در جریان است. براساس گزارشات، سالیانه بیش از دو میلیون سگ و گربه در کشورهای آسیای شرقی به طرق وحشتناکی برای مصرف مواد غذایی شکنجه و کشته می‌شوند. و یا پوست لطیف و زیبایی این حیوانات اغلب از کشورهای کوریا، چین، فیلیپین و تایلند به کشورهای اروپایی صادر می‌شود که به یک تجارت سودآوری بالا تبدیل شده است.

اگر چه در کوریای جنوبی به طور رسمی و معمول از گوشت سگ در مصرف غذای روزانه آن‌ها وجود ندارد اما داد و ستد سوداگران این حیوان در بازار و شهرستان‌های این کشور، به وضوح دیده می‌شود و در اکثر رستوران‌های کوریا، گوشت سگ به عنوان یک غذای «لذیذ و مفید»، به مشتریان ارائه می‌گردد.

در اکثر بازارچه‌های کوریای جنوبی گوشت سگ برای فروش نگهداری می‌شود و محل‌های مخصوصی برای پرورش سگ در خارج از شهر وجود دارد. نکته قابل تأمل این است که در کوریای جنوبی سگ را مثل حیوانات دیگر با کارد نمی‌کشند، بلکه او را خفه می‌کنند چون باور دارند. اگر گردن زده شود خونس خارج می‌شود و ارزش غذایی آن کم می‌شود.

بر اساس گزارشات، کوریای جنوبی برای امسال تصمیم به برگزاری جشنواره ای یک روزه تحت عنوان Seongnam جهت تبلیغ و ارائه راهکارهای مصرف و طرز تهیه غذاهای گوناگون با گوشت سگ گرفته بود! در این جشنواره قرار بود گوشت کبابی سگ، پنجه سوخاری شده و سوسیس سگ به رایگان در میان مردم و بازدیدکنندگان توزیع و روش‌های پخت آن‌ها آموزش داده شود.

اما این عمل هولناک با خشم سازمان های حمایت از حقوق حیوانات در کوریای جنوبی روبه رو شد و آن ها، با اطلاع رسانی اینترنتی اقدام به برگزاری اعتراضات و راه پیمائی های گسترده جهت جلوگیری از این جشنواره کردند.

یکی از سخن گویان این گروه گفته بود: «این جشنواره کشور ما را به مضحکه جهانی تبدیل خواهد کرد. مردم جهان با دیدن این تصاویر تصور خواهند کرد که گوشت سگ در سبد غذایی تمام خانوارهای کوریائی جای دارد!» گرچه با اقدامات محافظین سازمان های حمایت از حیوانات، برگزاری جشنواره مذکور در کوریای جنوبی لغو شد، اما این سوآلی که واقعا چند درصد کوریائیها به مصرف گوشت سگ علاقه دارند؟ باقیماند.

مجله wall Street در گزارشی در همین راستا، اعلام کرده بود: «گوشت سگ آن قدرها هم که در جهان سر و صدا به پا کرده، در کوریا طرفدار ندارد. به عنوان مثال، سوپ سگ فقط در تابستان عرضه می شود و نه در تمام سال و در میان مردان طرفدار بیشتری دارد تا زنان...»

اما لغو شدن این جشنواره در کوریا، برای طرفداران گوشت سگ، بی معنی است. روزنامه Daily Mail، به نقل از یکی از سرآشپزان چینی حاضر در این جشنواره نوشته بود: «گوشت سگ هم خوردنی است، درست مثل گوشت سایر حیوانات! گوشت سگ های نژاد کوچک تر کم قوت تر و ترد است، در حالی که ماهیچه های سگ های بزرگ تر، واقعا لذیذ است.»!

در دوره تابستان از اواسط جولای تا اواسط ماه اگست به روزهای سگی یا boknals که گرم ترین روزها در کوریای جنوبی است، اختصاص دارد. یکی از بزرگ ترین بازارهای فروش سگ های غیر خانگی در کشور کوریای جنوبی بازار بزرگ مورن در شهر seongnam در شرق "سنول" قرار دارد. روزانه هزاران سگ در این بازار به فروش می رسند که نزدیک به ۳۰ درصد از مصرف کل گوشت سگ کوریای جنوبی در آن تأمین می شود. درون این بازار، بیش از صد مغازه و رستوران گوشت سگ و سوپ سگ به چشم می خورد که تاجران سگ و خریداران سگ ها در این بازار به گرد هم می آیند.

به نقل از روزنامه "سنول تایمز" در ۱۸ جولای سال ۲۰۱۰، بالغ بر ۲۰۰۰۰ رستوران گوشت سگ و سوپ سگ در کوریای جنوبی وجود دارد که فقط ۶۰۰۰ تا از این رستوران ها در "سنول" در حال کسب کار می باشند. اگر چه دولت شهر "سنول" مقررات منع مصرف گوشت سگ را از سال ۱۹۸۴ در دستور عمل کار خود قرار داده است و از لحاظ قانون بهداشت مواد غذایی گوشت سگ عنوان یک غذای غیرقانونی و اصلی را به خود گرفته و در ردیف مواد غذایی مخالف مصرف جای دارد. اما اجرای این مقررات از سوی دولت شهر "سنول" به خوبی در جریان نمی باشد.

کشتن حیوانات به ویژه در آسیای شرقی، بسیار عجیب و دردناک تر در مورد سگ ها و گربه ها است. سگ ها و گربه ها را با انداختن به درون کیسه های خالی از هوا، این جانداران را خفه با این که در جائی آویزان می کنند و با زدن ضربات متعدد به سر این حیوانات آن ها را از پای در می آورند تا تمامی خواص شان با نریختن خون شان حفظ گردد. به همین علت گوشت سگ و گربه در مقایسه با گوشت های رایج در این کشورها خیلی قرمز و هم چنین لذیذ به نظر می رسد.

هم چنین در کشورهای چین و کوریا از سگ و گربه در تهیه نوعی داروی سنتی برای دردهای روماتیسم و آلتروز مفصلی استفاده می کنند. برای این منظور گربه ها به همراه چند گیاه، خرما و بادام به درون دیگ های آب جوش انداخته می شوند تا گوشت شان کاملا له گردد. به طور معمول از هر یک گربه به تعداد ۲۰ تا ۲۵ کیسه دارو به اسم «گوبانجی سوجی» و از گوشت سگ ها دارویی به اسم «GAESOJU» به دست می آید.

سازندگان داروهای سنتی قبل از انداختن این حیوانات به درون دیگ های سوزان آب جوش، دست و پای آن ها را می شکنند تا قدرت تقلائی که این جانداران برای نجات شان می کنند به حداقل ممکن برسد. و بعد در حالی که هنوز گربه ها جان در نفس دارند به درون دیگ های سوزان آب جوش انداخته می شوند تا با شقاوت و دردمندی تمام جان بدهند تا داروئی از گربه ها به دست بیاید.

اما خوردن گوشت سگ و گربه فقط به کشورهای آسیای شرقی منتهی نمی شود. در طول تاریخ، سگ ها منبع غذائی اضطراری برای اقوام مختلفی در سیبری الاسکا شمال کانادا و گرینلند و هم چنین اسکیموها در قطب شمال و جنوب بوده است. امروزه جاپان واردات گسترده گوشت سگ را از چین در راستای تحقق سیاست های دو جانبه در دستورالعمل اقتصادی خود قرار داده است و بر طبق گزارش آمار، در سال ۲۰۰۸ واردات گوشت سگ از چین به این کشور بالغ به پنج هزار تن در سال برآورد شده است.

امروزه چین به یکی از تولیدکنندگان گوشت سگ و گربه در میان کشورهای آسیای شرقی تبدیل شده است. تاریخچه مصرف گوشت سگ و گربه در چین به پانصد سال قبل از میلاد مسیح باز می گردد. بیش ترین مصرف کنندگان گوشت گربه و سگ در مناطق شمال شرقی و جنوب و جنوب غربی چین سکونت دارند که به طور معمول از گوشت گربه به عنوان غذا استفاده می کنند. چینی ها با معتقد بودن به گرم بودن گوشت گربه و سگ مبادرت به تهیه غذا از این حیوانات در ماه های سرد زمستان می کنند تا در بالا رفتن درجه حرارت بدن آن ها در این فصل کمک کند.

هم چنین یکی از سودآور ترین مشاغل در چین، پرورش سگ و گربه محسوب می شود. چینی ها این حیوانات را صرفاً نه برای نگهداری آن ها به عنوان حیوان خانگی، بلکه فقط برای مصرف گوشت آن ها را پرورش می دهند. به طور معمول بعد از این که این حیوانات به سنین ۶ تا ۱۲ ماه رسیدند برای فروش به بازار منتقل می شوند.

بر اساس «دانش نامه آزاد ویکی پدیا: ... سازمان جمع آوری گربه در حومه شمال غربی نانجینگ از pukou کشتی حامل گوشت های filinez شده گربه را به طور منظم به استان های جنوبی گوانگ دونگ چین برای مصرف انبوه متقاضیان حمل می کنند. و به نوشته یکی از روزنامه های چین، روزانه حدود هزار گربه به وسیله قطار به ایالت گوانگ دونگ چین آورده می شود و آن جا به وسیله واسطه ها با موتورسیکلت در جعبه های چوبی برای فروش به بازار محلی منتقل می گردد. قیمت گوشت گربه در بازارهای چین در مقایسه با دیگر گوشت های مصرفی خیلی بالاتر و همیشه به عنوان یک غذای لوکس در بین مردم چین خودنمایی می کند.

سالانه بیش از ۵۰ میلیون حیوان، از جمله چین چپلا، روباه، مینک، خرگوش، سمور، راکون و دیگر حیوانات حیات وحش و هم چنین حدود ۲ میلیون سگ و گربه در مزارع تولید پوست در شرایط هولناک پرورش یافته و به طرق گوناگون کشته می شوند. ۵۰ درصد پوست حیوانات در کشور چین تهیه و صادر می شود. در طول زمان پرورش حیوانات در قفس های فلزی نگهداری شده و به دلیل نداشتن حق زندگی و رفتار طبیعی دچار استرس شدید روانی می گردند.

پوست برخی حیوانات، اغلب از کشورهای چین، فیلیپین، تایلند، کوریا و... به بازار اروپا صادر می شود و در تهیه و تولید انواع اسباب بازی، حیوانات زینتی، دستکش، چکمه، دور آستین و یقه و... به کار برده می شود. برای این که هنگام کشتن حیواناتی که پوست آن را می کنند آسیب نبیند مانند روباه با شوک برقی می کشند. معمولاً با اتصال یک الکتروود به مقعد حیوان و دیگری در دهان حیوان و در نهایت وارد کردن ۲۴۰ ولت برق می لرزد... بدنش سفت و خشک می شود و دندان هایش بیرون می ریزد. اتصال برق، به عنوان یک فلج کننده عمل می کند و حیوان بعد از گذشت حدود ۵ دقیقه دچار حمله قلبی شده و می میرد...

برای کشتن حیوانات دارای جثه کوچک روش آسان و ارزان شکستن گردن استفاده می شود. یعنی یک دست خود را دور گردن حیوان حلقه می کنند و با دست دیگر قسمت پائین بدن حیوان گرفته می گیرند و گردنش را می پیچانند. حیوان ۵ دقیقه بعد از شکسته شدن گردن می میرد.

مزرعه داران خز، نمی توانند از پنتوباریتال سدیم، دارویی که در پناه گاه ها برای خواباندن حیوانات خانگی به کار می رود، استفاده کنند. چون فوق العاده گران است و فقط در دسترس دامپزشکان و متخصصان قرار دارد. به این دلیل به آن گروه از حیوانات مزارع خز، هیدرات کلرال، سولفات منیزیم و سولفات نیکوتین (که معمولا به عنوان آفت کش استفاده می گردد!) با الکل رقیق شده تزریق می کنند تا بمیرد.

وقتی پوست به تدریج و کامل از شکم - گردن و نهایتا سر حیوان کنده شده و جدا می گردد، برخی هنوز زنده اند؛ به سختی و بریده بریده نفس می کشند و به آرامی پلک می زنند... قلب برخی گاهی ۵ تا ۱۰ دقیقه پس از پایان پوست کنی، هم چنان می تپد.

برخی دیگری از حیوانات را قبل از آن که زنده پوست کنده شوند، از قفس هایشان بیرون کشیده شده و به زمین پرتاب می شوند، سپس با میله های فلزی به آن ها می کوبند که باعث شکستگی های شدید استخوانی و تشنج شدید می گردد ولی همیشه مرگ آنی را در پی ندارد.

برخی از حیوانات را نیز مانند راکون ها، کابوت ها، نوتریاها، روباه ها، لینکس ها و... با تله های پایبند و سایر تله ها می کشند. اگر حیوان در همان ابتداء در تله خرد شده و کشته نشود، اگر در موارد پا و یا دم درگیر را جویده و قطع می کند تا فرار کند... بعدها از خونریزی شدید و عفونت زخم تلف می گردد.

فنلند، بزرگ ترین تولیدکننده پوست روباه در جهان است. شورای ملی محیط زیست و آب های فنلند گفته است: مشکلات زیست محیطی مزارع خز فعال هنوز بسیار چشم گیر است.» در یکی از شهرهای فنلند Kaustinen، انشعاب آب زیر زمینی، تنها به دلیل مجاورت با توده های گسترده فضولات مزارع خز و پوست، متوقف گردید و به مسیر دیگری هدایت شد. مزارع خز، یکی از آلاینده های هوا نیز هستند. برای مثال، مزارع خز فنلند، سالانه ۱۵۰۰ تن آمونیاک آزاد می کنند!

یکی از مرغوب ترین پوست ها در بین حیوانات اهلی، پوست سگ جرمن شپرد و سگ طلائی شکاری می باشد که شباهت زیادی به پوست روباه دارد و اغلب به اسم و با اتیکت پوست روباه به مصرف کنندگان خارجی فروخته می شود. چرا که سگ و گربه در کشورهای اروپایی دارای جایگاه و احترام خاصی هستند.

استفاده از گاز دی اکسید کربن و یا منوکسید کربن بیشتر برای کشتن مینک ها (خزها)، به کار می رود. گاز دی اکسید کربن با غلظت ۱۰۰ درصد حیوان را زود از بین می برد. ولی قبل از آن باعث سوزش شدید و سوخته شدن دماغ حیوان می شود. حیوان در اطاقک گاز دور خود می چرخد و سرش را برای دوری از گاز بالا نگه می دارد. محققین به این نتیجه رسیده اند که به دلیل این که مینک ها می توانند نفس خود را به مدت طولانی نگهدارند استفاده از این گاز بسیار غیرانسانی می باشد. منوکسید کربن معمولا از طریق آگروز موتور تراکتور وارد اطاقک گاز می شود. این گاز باعث بیهوش شدن حیوان بعد از ۴۰ ثانیه می شود، لذا معمولا بعد از استنشام گاز پوست شان در حالی که هنوز زنده هستند، کنده می شود.

برای شکار برخی از حیوانات تله های مختلف می گذارند. اگر حیوان بعد از چند روز بر اثر گرسنگی و یا حمله حیوانات دیگر از بین نرود معمولا برای فرار کردن یکی از پاهای خود را با دندان می کند. ولی دورتر به دلیل عفونت و یا خونریزی شدید جان خود را از دست می دهد. معمولا این گونه تله ها را نزدیک دریاچه یا رودخانه عمیق می گذارند تا حیوان بعد از فرار در آب غرق شود. از آن جایی که حیوانات اسیر در این گونه تله ها معمولا زنده می مانند،

دام گذاران از روش هائی چون خرد کردن سر حیوان با چماق و چوب دستی؛ خفه کردن حیوان با طناب؛ خفه کردن حیوان در آب؛ شلیک تیر به مغز حیوان و...، برای کشتن حیوانات گرفتار شده در دام استفاده می کنند.

به ویژه فصل پائیز، پالتو پوست ها و چکمه هائی که از پوست حیوانات تهیه شده اند آذین بند بوتیک های لباس می شوند. مشتری این نوع کالاهای شیک و گران که از جان حیوانات با شکنجه های زیاد کنده شده اند، پولداران هستند. انواع پالتوهای [بالاپوش] پوست مانند پالتو گرگ، پالتو سمور، پالتو مینگ، پالتو خرگوش، پالتو آهو، پالتو روباه، پالتو سگ آبی، پالتو گوسفند، پالتو خز و...

یا از پوست حیواناتی چون گوزن، پوست آهو، پوست بز پاکستانی، پوست گوسفند، پوست گرگ، پوست روباه، پوست سمور، پوست کانگرو، پوست لطیف گربه، پوست گاو، پوست خرگوش، پوست مار، پوست مارمولک و...، از جمله کیف، شال گردن، پالتو، کلاه پوست و ... درست می کنند.

در سال ۲۰۰۵، گروهی از جست و جوگران محافظت از حیوانات سویس به چین سفر کردند تا حقیقت درباره نحوه تولید خز را کشف کنند و چیزی که آنها کشف کردند حقیقتا شوکه کننده بود. در چند سال اخیر، چین به بزرگ ترین صادرکننده لباس خز در دنیا تبدیل شده است و مطابق با منابع صنعت، بزرگ ترین تولید و فرآوری خز در دنیا می باشد. چین، هم چنین کشوری است بدون هیچ مقررات قانونی برای رفاه حیوانات؛ و متقابلا سابقه ضعیفی دارد.

آمارهای گمرک چین، حجم خالصی از صادرات خز نزدیک به ۲ میلیارد دالر در سال ۲۰۰۴ را نشان می دهد و «زنانگ شوهائو»، رئیس نماینده انجمن صنعت چرم چین، به گزارشگران گفته که صادرات از سال ۲۰۰۳، سال به سال تا ۱۲۳ درصد افزایش داشته. بیش از ۹۵ درصد از لباس خز تولید شده در چین به بازارهای خارجی فروخته می شود، به اروپا، امریکا، روسیه و جاپان صادر می گردد. طبق گزارش «سندی پارکر»، چین فقط در جنوری سال ۲۰۰۵، ۱.۲ میلیون دالر محصولات خز به امریکا صادر کرد.

قوانین محافظت زیست محیطی در چین در حداقل است. مواد کیمیائی بسیار سمی برای دباغی یا رنگ کردن پوست ها به کار می رود. به خاطر نبود وضع قانون اکید، بسیاری از کشورهای غربی پوست هایشان را برای فرآوری به چین صادر می کنند. در چین، اعمال غیرقابل تصور از وحشی گری دائمی و ظلم به حیوانات در یک مقیاس بسیار بزرگ وجود دارد. در پرورشگاه روباه در چین، حیوانات در قفس های الکتریکی در یک سطحی که فقط ۵۴ سانتی متر مربع است نگه داشته می شوند. هیچ چیزی برای بازی کردن وجود ندارد. یک ردیف قفس درست در کنار دیگری قرار دارد.

چین، تقریبا ۱.۵ میلیون راکون داگ را هر ساله برای صنعت خز تولید و پرورش می دهد. راکون داگ ها، بر روی کف مشبک فلزی به سختی تکان می خورند. پرورشگاه های بزرگ سمور نیز در چین ساخته شده اند. پرورش دهندگان حیوان در اسکاندویناوی، محموله های تولید مثل زنده را به کارمندان چینی شان فروخته اند.

سمور نزدیک آب زندگی می کند. آن ها، حیوانات بسیار فعال و کنجکاو هستند. اما در این قفس های باریک، آن ها رفتار یک نواخت شدیدی را از خود نشان می دهند. در نتیجه توسعه عظیم خز، بسیاری از پرورش دهندگان، یک پرورشگاه خز در حیاط خانه شان باز کرده اند.

چین، دومین تولید کننده بزرگ پوست روباه است. صنعت خز چین، هر ساله تقریبا ۱.۵ میلیون روباه را پرورش می دهد. دوباره، یک نواختی قفس ها سبب رفتار یک نواخت آن ها می شود. زمین طبیعی وجود ندارد. آن ها سعی می کنند تا فرار کنند اما هرگز موفق نمی شوند. روباه ها، در کل از انسان ها می ترسند و این سبب مشکلات رفاه آن ها می شود. بنابراین، این فقط به خاطر تطبیق با محیط زیستی که در آن نگه داشته می شوند، نیست، بلکه هم چنین به خاطر ارتباط با انسان ها است.

آن‌ها روباه‌های بسیاری را کنار هم نگه می‌دارند. این برای یک روباه بسیار ترسناک است که به روباه دیگر بسیار نزدیک باشد. روباه‌ها، با برقراری ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها، از ترشحات غده و علائم ادراری برای پیغام دادن مبنی بر اشغال یک قلمرو استفاده می‌کنند. در پرورشگاه، آنها مجبور هستند تا در بالا یا نزدیک به مدفوع ردیف هم‌تایان شان که روی هم قرار می‌گیرند، زندگی کنند.

در پائیز یا زمستان، حیوانات از قفس‌هایشان بیرون آورده می‌شوند. کارگرها از یک تیر با یک حلقه طناب در انتهایش استفاده می‌کنند. سپس حیوان را از دم یا پاهای عقبی می‌گیرند. حیوانات در مجاورت بازارهای عمده فروشی کشته می‌شوند. یا پرورشگران آن‌ها را برای فروش می‌آورند. برای رسیدن به آن‌جا، حیوانات اغلب از فواصل طولانی و تحت شرایط وحشتناکی منتقل می‌شوند.

بعد از موافقت خریداران با قیمت، پرورشگران حیوانات را می‌گیرند، که در این مورد یک راکون داگ است و در ابتداء آن‌ها را با سر محکم به زمین می‌کوبند. این کار به منظور بی‌حس کردن حیوان است. راکون داگ‌ها، دست و پا زده یا به تشنج می‌افتند، سپس لرزان دراز می‌کشند یا به سختی حرکت می‌کنند. در ادامه، به نزدیکی کشتارگاه برده می‌شوند که متأسفانه همین حیوانات هوشیاری شان را دوباره به دست می‌آورند. بنابراین، به طور مداوم با یک میله چوبی به سرشان ضربه زده می‌شود. از این شیوه برای اجتناب از صدمه دیدن خز بدنشان استفاده می‌شود. بعد از یک وقفه کوتاه، همان حیوانات برای سومین بار هوشیاری شان را به دست می‌آورند. متخصصان در حالی که حیوانات هنوز زنده هستند فرآیند کندن پوست را آغاز می‌کنند.

کندن پوست با یک چاقو از پشت آغاز می‌شود. بعد راکون داگ، از پاهای عقبی از یک قلاب به شکل وارونه آویزان می‌شود. کارگران با آغاز از پاهای عقبی، پوست حیوان را از بدن آویزان پیچ می‌دهند تا این‌که به سر حیوان برسد. حتی پس از این‌که پوست شان کنده شده است، تنفس، ضربان قلب، حرکت به جهات و حرکت پلک‌ها بین ۵ تا ۱۰ دقیقه مشهود است.

روباه‌ها مجبورند تا این فرآیند وحشتناک را قبل از این‌که سرانجام با له شدن گردنش زیر پای قصاب خفه شده و بمیرند، به مدت شش دقیقه تحمل کنند. بنابراین، خرید هر چیز خز دار، حتی اگر فقط تزئینی باشد، از یکی از صنایع وحشتناک و غیرانسانی سرمایه‌داری جهانی حمایت می‌کند.

کارخانه‌های خودروسازی بسیار معروف مانند فراری معمولاً کمتر خودروی‌های خاص تولید می‌کنند اما گاهی به سفارش مشتریان، خودروهای بسیار گران‌قیمت را تولید می‌کنند. بنا به گزارشات، به تازگی فراری به درخواست یکی از مشتریان دست به اقدامی جالب زده و یک خودروی تماماً از چرم را تولید کرده است. این فراری مدل «F۴۳۰» به درخواست یک کلکسیونر فرانسوی ساخته شده و در ساخت بدنه و داخل آن از چرم سیاه استفاده شده است. البته این کار، برای فراری خیلی هم سخت نبوده است چرا که در گذشته یکی دیگر از ماشین‌هایش را با پوست وال تزئین کرده بود. این مشتری میلیونر، تأکید بر روی اصل بودن چرم داشته است و کارخانه نیز بیش از دو روز وقت صرف درست کردن و فراهم آوردن چرم این خودرو کرده است. این خودروی بسیار لوکس و منحصر به فرد ۱۶۵ هزار دالر قیمت گذاری شده است.

شکار نهنگ‌ها در قرن بیستم، سبب شده است که نسل آن‌ها رو به انقراض کشانده شود. گرچه برخی از انواع نهنگ‌ها مانند نهنگ خاکستری تا حدی بیشتر شده‌اند اما باقی آن‌ها، هم‌چنان رو به انقراض هستند.

تجارت قسمت‌های مختلف اندام حیوانات از جمله شاخ کرگدن و استخوان ببر که خواهان زیادی در چندین کشور آسیایی به خاطر فواید طبی آن‌ها دارند نیز از دیگر عوامل انقراض حیوانات هستند.

فیل افریقائی تا سه متر ارتفاع و بیش از ۶ تن وزن دارد. طی سه نسل گذشته تعداد این حیوان بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. با وجود این که شکار فیل در چندین کشور این قاره، غیرقانونی اعلام شده اما شکار عاج، هم چنان ادامه دارد. فیل آسیائی تا سه متر ارتفاع، نزدیک به ۷ متر طول و تا ۵ تن وزن دارد. نسل این حیوان نیز مانند فیل افریقائی به همان نسبت کاهش یافته است. این حیوان، شامل ۴ زیر مجموعه هندی، سیلانی، سوماترائی و مالزیائی است.

نهنگ آبی، یکی دیگر از حیوانات رو به انقراض است که تا ۲۷ متر طول و ۱۴۰ تن وزن دارد. این حیوان، بزرگ ترین پستاندار زمین است و از پلانکتون ها که کوچک ترین ارگانیسم دریاها هستند، تغذیه می کند. شیر طلایی تامارین، پستاندار کوچکی است که به طول ۳۰ سانتیمتر و وزن یک کیلوگرم. این حیوان به شدت رو به انقراض است و فقط ۵۰ عدد از آن در دنیا باقی مانده است.

میمون عنکبوتی با بدنی بدون دم، به طول تا ۶۰ سانتیمتر است و از ۵ تا ۸ کیلوگرم وزن دارد. این میمون، به خاطر استفاده ماهرانه از دمش به عنوان یک دست کمکی شناخته می شود. گوریل، تا ۱۸۰ سانتیمتر قد و ۲۷۰ کیلوگرم وزن دارد. با وجود این که به عنوان بزرگ ترین درنده زنده شناخته می شود اما حیوانی آرام و اجتماعی است. پاندای غول پیکر تا یک و نیم متر رشد می کند و وزن آن به ۱۲۰ کیلو می رسد. در حال حاضر، ۱۵۰ پاندای بالغ در دنیا وجود دارد که غذای اصلی آن ها بامبو است.

غزال کویه که در حوالی الجزایر، مراکش و تونس زندگی می کند کم تر از ۲۵۰۰ رأس باقی مانده است. گوزن غول پیکر غربی، به عنوان یکی از بزرگ ترین های نوع خود در افریقا شانه هایش تا ۱۸۰ سانتیمتر ارتفاع پیدا می کند و وزنی تا حدود ۶۸۰ کیلوگرم. کم تر از ۲۵۰۰ عدد از این حیوان در غرب لفریقا وجود دارد.

کرگدن سیاه، این حیوان مهاجم ترین نوع در خانواده کرگدن ها است که می تواند با سرعت ۷۰ کیلومتر در ساعت بدود. تا ۴ متر طول و ۱۸۰ سانتیمتر ارتفاع پیدا می کند و وزنش تا ۱۵۰۰ کیلوگرم می رسد از تعرض انسان در امان نیست.

کوسه نقره ای، ببر، سگ آبی، گرگ قرمز، کرکس کالیفرنیا، پلنگ آمو، پلنگ ترکیه، چیتای آسیا، طوطی شکم آبی، جکوار فلوریدا، گربه وحشی اسپانیا، پلنگ برفی شرق آسیا و پلنگ تگزاس از جمله حیواناتی هستند که کمتر از ۲۰۰ قلابه از آن ها در دنیا باقی مانده است.

براساس آمارهای منتشر شده در ۱۰ سال اخیر، بیش از ۲ میلیون بچه فک کشته شده اند که ۹۸ درصد آن ها کمتر از سه ماه از عمرشان می گذشت. هر ساله در کانادا، بچه فک های بی دفاع به خاطر پوست شان به بی رحمانه ترین و فجیع ترین شکلی قتل عام می شوند.

به ضرب گلوله، با ضربه چماق و کندن پوست، شکارچیان از چماق مخصوصی به نام هاکاپیک (hakapik) استفاده می کنند تا کم ترین آسیب به پوست بچه فک برسد. ۶۷ درصد از آن ها، بدون این که از بیهوشی شان اطمینان حاصل شود یا آزمایشی در این مورد بر روی آن ها انجام شود، زنده زنده پوست شان کنده می شود. ۸۲ درصد آن ها، پس از شلیک اولین گلوله، هنوز زنده اند. ۱۰۰ درصد آن ها، بیهوده و بی جهت کشته می شوند.

ماهیگیران تجاری بین فصل های ماهیگیری، صدها و هزاران بچه فک، در عرض چند روز اول بهار می کشند. تنها در سال ۲۰۱۱، چند صد ماهیگیر، مسئول مرگ ۳۷۸۲۹ بچه فک بودند.

در امریکا، سالانه، بیش از ۳۰۰ میلیون بوقلمون پرورش داده می شود که به طرز فجیعی کشته می شوند. بیش از ۴۵ میلیون در روز شکرگزاری و ۲۲ میلیون برای کریسمس، قربانی می کنند. زندگی سراسر از درد و شکنجه یک بوقلمون مزارع پرورشی، سه ساعت پس از تولدش آغاز می شود. سه ساعت پس از تولدش منقار و سه انگشت پایش

را قطع می کنند و آن هم بدون بیهوش کردن! برای کوتاه کردن، منقار را میان دو تیغه فلزی داغ قرار می دهند و این باعث یک عمر درد و رنج می شود.

دکتر پیتر پرچارد، کارشناس آمریکائی زیست شناسی لاک پشت ها که برای نجات این گونه تلاش هائی کرده، می گوید: «در قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست، این کاهش به یک بحران تبدیل شده است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۰ یا ۲۰۰۱ گزارش شده بود. بازارهای چین انباشته از لاک پشت هائی شده بود که در خود کشور چین یافت نمی شدند.»

تاکنون ۳۱۰۰ گونه کرم خاکی، در سراسر جهان شناسائی شده اند که بزرگ ترین آن ها بیش از یک متر طول دارد. از این گونه برای اولین بار در قرن ۱۸ میلادی برای تغذیه دام و طیور و ماهیگیری استفاده شد؛ اما امروزه کاربرد کرم خاکی، گسترش زیاد یافته است؛ به طوری که علاوه بر طعمه در صید تفریحی، به عنوان کود برای بهبود و اصلاح زمین های نامرغوب، تهیه ورمی کمپوست، تهیه کود مایع و بازیافت زباله، تغذیه آبزیان و حتی تهیه مواد بهداشتی و دارویی به کار برده می شود. ارزش غذایی کرم خاکی، به علت بالا بودن مقدار پروتئین آن است که معمولا ۴۵ تا ۷۰ درصد وزن ماده خشک کرم ها را تشکیل می دهد. این مسأله باعث شده است نام کرم خاکی علاوه بر فهرست غذای ماهیان، در فهرست غذائی انسان هم قرار بگیرد. کرم در امریکا، غذای مصرفی مردم است همانند انواع کنسرو جهت سالاد، غذاهای پختنی، انواع نوشیدنی و... به عنوان مثال از گران ترین غذاهای فروشگاه های زنجیره ای مک دونالد می باشد. بسیاری از کشور های افریقائی و آسیای میانه از گونه ای کرم خاکی در رژیم غذایی خود بهره می برند. هم چنین در کشور جاپان از کرم خاکی برای ساخت مشروب استفاده می کنند.

چین موش های نوزاد را برای ساختن تونیک سلامتی غرق می کند. بچه موش های زنده را در شراب برنج برای ساختن تونیک سلامتی غرق می کنند. زیرا چینی ها معتقد هستند که شراب بچه موش یک داروی تقویتی سنتی چینی است که باور دارند درمان بیماری آسم و بیماری های کبدی است.

بچه موش هائی که سه روز بیش تر از عمرشان نگذشته و هنوز چشم باز نکرده اند را از مادرشان جدا می کنند و زنده زنده درون بطری شراب برنج می اندازند، جائی که غرق و تخمیر می شوند. و این تنها یکی دو تا موش نیست، بلکه بچه موش های بسیاری در انتهای هر بطری شناور می شوند.

«محققین» و «دانشمندان» اسپانیائی، چندی پیش جشن گرفتند، چون روش جدید کشتار مرغ ها در مرغداری ها، بالاخره در یک مرغداری آزمایش شد و نتیجه آزمایش، رضایت بخش بود؟! در عرض کم تر از ۱۵ دقیقه، ۱۵ هزار مرغ قتل عام شدند. این یعنی یک موفقیت بزرگ برای کشتارگاه ها! چون هم از نظر وقت و هم هزینه، این روش بسیار مقرون به صرفه برای صاحبان کشتارگاه هاست! در این روش یک دستگاه بزرگ، با تولید کف حاصله از آبی که اتومبیل ها با آن شست و شو شدند، مرغ ها را در کف خفه می کند. ۱۵۰۰۰ مرغ در عرض ۱۵ دقیقه خفه شدند! بزرگ ترین کشتارگاه در دنیا که توسط شرکتی در امریکا اداره می شود، می تواند روزانه ۳۲ هزار خوک را بکشد. تنها در امریکا، هر ثانیه ۲۷۰ جوجه، یا حدود ۸/۵ میلیارد جوجه در سال، کشته می شوند. برای کشتن و فراوری این موجودات زبان بسته و بی گناه، کارگران تحت فشار مداوم هستند تا به سرعت کار کنند و این خطوط تولید قتل را به حرکت مداوم وا دارند.

یک وکیل در امریکا، به نام «جنیفر دیلارد»، در گزارش خود با عنوان «کابوس یک کشتارگاه: آسیب روانی متحمل شده توسط کارکنان کشتارگاه و امکان التیام از طریق اصلاحات قانونی»، برخی از مشکلات روانی بسیاری که کارگران کشتارگاه، متحمل می شوند از قبیل اختلال حاصل از استرس پس از آسیب روانی را مورد بررسی قرار می دهد و «گیل ای. ایسنیتز»، بازرس ارشد انجمن دام پروری رحیمانه، در کتابش با عنوان «کشتارگاه»، اثرات ذهنی

زمین گیر کننده این خط بی رحمانه کاری را توصیف می کند. برای بسیاری از کارگران، کشتارهای خون آلود بی پایانی که در این کارخانه های مرگ، شاهدش هستند، ترک مشاغل شان، هم چنان آزارشان می دهد.

«لس اینگرم»، یک کارگر سابق کشتارگاه در انگلستان، این فرایند وحشیانه را به یاد می آورد که با گیج کردن حیوان با یک تفنگ آغاز می شود. توسط آن درست مثل یک لوله است که آن را روی سر می گذارند و وقتی با سر تماس یافت، عمل کرده و پیچ را در جمجمه فرو می کند تا در جایی که می خواهند میله مغزی را قرار دهند، سوراخ ایجاد کند که سپس آن ها آن میله را در آن سوراخ فرو کرده و آن را می پیچانند. در حالی که داخل جمجمه می رود، به جلو و عقب، فشارش می دهند. در آن جا پیچیده می شود و کل مغز را خرد می کند. و آن گاه آشکار است که در ادامه خونریزی حیوان را داریم. بنابراین، گلویشان بریده می شود و خون گاوها در کل حمام خون، ریخته می شود. و بعد، وقتی که خونریزی کردند آن ها را می چرخانند و شروع می کنند به پوست کندن. برای گاوها، محفظه شلیک، در گوشه بود. و بعد راهروی انتقال بود که گاوها با عبور از آن از محل نگهداری شان به محفظه شلیک، وارد می شدند. فکر می کنم راهروی انتقال، حدود ۷/۵ تا ۹ متر، طول دارد. بنابراین گاوهایی که در راهروی انتقال و آغل های پشتی هستند، به خاطر وضعیت ساختمان، قادر هستند آن چه رخ می دهد را به وضوح بشنوند. آن ها قادر خواهند بود آن چه رخ می دهد را به وضوح استشمام کنند. و بیش ترشان، وقتی داخل محفظه کشتار می شوند، به نظر کاملاً وحشت زده هستند. من می گفتم: «آن ها می دانند چه در پیش است.» برخی از آن ها هر کاری می کردند تا سعی کنند از آن محفظه، خارج شوند؛ بالا می پریدند و سعی می کردند از روی دیوار بالا روند. اما نمی توانستند، چون دیوارش خیلی بلند بود.

لس اینگرم، یک رویداد وحشتناک را در کشتارگاه، به یاد می آورد. آن ها تعداد زیادی گوسفند ماده داشتند که در یک زمان خاص، آمدند و خیلی از آن ها آبستن بودند و زمان اندکی تا به دنیا آمدن آن بره ها، مانده بود. و البته در طی روند کشتار، رحم ها بیرون آورده شده و بره ها داخل رحم ها بودند. و یک رحم بود که به طور خاصی خیلی بزرگ بود. و آن ها رحم را باز کردند و بره را بیرون آوردند و مقداری دستمال حوله ای آوردند؛ اطراف دهانش را پاک کردند، در بینی اش چندین بار فوت کردند، کمی ماساژش دادند و سپس آن بره شروع کرد به نفس کشیدن و واقعا زنده و آماده حرکت بود. اما این امر، آن ها را مدتی سرگرم نمود و بعد آن ها گفتند: «اوه خب، وقت ادامه کار است.» آن ها در همان دم گلوی آن بره را بردند. آن ها او را خارج از رحم، زنده کردند، گذاشتند که حرکت کند و سپس گلویش را بردند. و آن فقط برای تفریح بود. این قبیل چیزها در آن جا ادامه داشت. چنین فقدان کامل دل سوزی و شفقت، در کسانی دیده شده که حیوانات را برای تأمین معاش در خارج از دیوارهای ساختمان های فرآوری گوشت، می کشند.

خشونت زشتی که در یک کشتارگاه نسبت به حیوانات، نشان داده می شود، می تواند به خشونت نسبت به انسان ها نیز تبدیل شود. دکتر «ایمی فیتزجرالد»، استادیار جرم شناسی در دانشگاه «ویندسور»، کانادا نتیجه گرفت که در امریکا ارتباط میان کشتارگاه ها و قتل، تجاوز و سایر جرم های وحشیانه، یک حقیقت تجربی است و یک کشتارگاه با ابعاد متوسط با ۱۷۵ کارمند، تعداد بازداشتی های سالانه در یک جامعه را تا ۲/۲۴ برابر و گزارشات سالانه خشونت را تا ۴/۶۹ برابر افزایش می دهد. من واقعاً فکر می کنم که هر کسی که در گرفتن جان یک حیوان، مشارکت فعال داشته باشد، از نظر روان شناختی بر او به عنوان یک انسان، تأثیر می گذارد و همین طور بر نحوه حضور و رفتارش در این دنیا اثر گذار است. من موارد بسیاری را درباره برخی مردم خوانده ام که مرتکب جرم های وحشتناکی نسبت به دیگر انسان ها شده اند، قاتلین زنجیره ای و غیره. آن ها حیوانات را در موارد بسیاری شکنجه داده اند.

«مک دونالد»، به دلیل نحوه رفتار با حیوانات قبل از کشتن به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. این شرکت بزرگ ترین ترویج کننده غذاهای گوشتی و بزرگ ترین مصرف کننده گوشت گاو، دومین مصرف کننده گوشت مرغ در دنیا برای محصولات خود می باشد. هجمه انتقادات مربوط به نحوه برخورد با حیوانات در محل های نگهداری و کشتارگاه

های مک دونالد است. بر اساس مطالب ارائه شده در دادگاه مک لیل، در مرغداری های مک دونالد در فضائی کمتر از یک متر و بدون نور تعداد زیادی از این حیوانات نگهداری می شود که نتیجه آن ۴۴ درصد ناهنجاری و مشکلات دیگر بهداشتی برای این حیوانات است. در محل های دیگر نگهداری حیوانات متعلق به مک دونالد نیز همین شیوه رفتار اعمال می شود. علاوه بر شرایط نگهداری، مک دونالد برای نحوه کشتن حیوانات در کشتارگاه ها نیز با هجمه انتقادات مواجه شده است.

یکی دیگر از مواردی که باعث افزایش اعتراض مخالفان مک دونالد شده است مربوط به یکی از غذاهای عرضه شده در این رستوران به نام Foie Gras برای اشراف و ثروت مندان است. این غذای گران قیمت که علاوه بر مک دونالد در رستوران های KFC نیز عرضه می شود از جگر پرندگان تهیه می شود. برای تهیه این غذا، جگر پرنده باید از چربی زیاد و حجم بالائی برخوردار باشد و از آن جا که در حالت طبیعی امکان وقوع این امر وجود ندارد، حجم بالائی از غذای چرب و دارای روغن بالا به وسیله دستگاه و به زور به پرنده خوراند می شود.

سپس پرنده در قفسی کوچک بدون حرکت قرار داده می شود تا چربی بیشتری در بدن او ایجاد شود. این شیوه رفتار با حیوانات که به شکل بی رحمانه ای صورت می گیرد اعتراضات بسیاری را در پی داشته است.

برای مثال، طی یک نظرسنجی از سوی وال استریت ژورنال، ۵۳ درصد از مردم به دلیل مسائل و مشکلات محیطی مربوط به محصول یا تولیدکننده از خرید آن محصول امتناع می کنند. جدی ترین نگرانی محیطی نسبت به مک دونالد این است که این شرکت برای ایجاد یک چراگاه وسیع در برزیل به تخریب جنگل های بارانی آن منطقه اقدام کرده است. این اقدام نه تنها موجب از بین رفتن منابع طبیعی می شود بلکه بر گرم شدن کره زمین نیز تأثیرگذار است، زیرا جنگل های بارانی نقش مهمی در مکانیزم جذب دی اکسید کربن هوا دارند.

مک دونالد، هم چنین سالانه از میلیون ها تن بسته بندی استفاده می کند که تنها برای چند دقیقه مورد استفاده قرار می گیرند. به طور معمول بسته بندی های پلی استر مورد استفاده برای محصولات مک دونالد موجب از بین رفتن گازهای لایه ازن می شود. انتقاد دیگری که از این شرکت می شود مربوط به تولید میزان بالای زباله آن است. هر رستوران مک دونالد در امریکا، روزانه به طور متوسط نزدیک به ۱۱۰ کیلوگرم زباله تولید می کند که با توجه به تولید ۴۱۰ کیلوگرمی زباله از طرف مراکز توزیع منطقه ای شرکت، تعداد زیاد شعبه های این شرکت در سراسر دنیا و هزینه بالای از بین بردن این میزان زباله به اهمیت بالای این موضوع می توان پی برد.

یکی دیگر از انتقاداتی که همواره مک دونالد با آن مواجه بوده مربوط به شرایط کار و سیاست های این شرکت در قبال کارگزارانش است. این شرکت دارای بیش از یک و نیم میلیون نفر کارگر و کارمند در سراسر دنیا است که بیش از نیمی از آن ها افراد زیر ۲۱ سال هستند. سیاست شرکت در استخدام افرادی با این محدوده سنی به این معناست که بیش از نیمی از کارکنان مک دونالد از حداقل حقوق برخوردار هستند. وارد شدن عبارت Mcjob که به معنی شغلی با درآمد پائین است.

یکی دیگر از مشکلاتی که کارگران این شرکت با آن مواجه هستند کار در شرایط نامناسب، تبعیض نژادی، بالا بودن غیر قانونی ساعت کار و پائین بودن شرایط بهداشتی و ایمنی در محیط کار است. البته به دلیل عدم وجود تشکل های کارگر چون اتحادیه های کارگری و غیره در درون مک دونالد، اقدامی در خصوص تغییر شرایط کارگران این شرکت صورت نگرفته است.

شرکت مک دونالد، دارای بزرگترین فروشگاه های زنجیره ای «فست فود» در سراسر دنیا است. این شرکت با فعالیت در ۱۱۹ کشور روزانه دارای ۶۸ میلیون مشتری است. تاریخ آغاز به کار این شرکت نیز به ۱۹۴۰ باز می گردد، وقتی که برادران ریچارد و موریس مک دونالد در کالیفرنیا اولین رستوران خود را راه اندازی کردند.

مهمترین قتل عام حیوانات هر سال در اعیاد مذهبی، به ویژه عید قربان انجام می‌گیرد. یعنی در واقع می‌توان گفت که «عید سعید قربان»، روز قتل عام حیوانات است. در این روز، بیش از دو میلیون گوسفند فقط در شهر مکه (خانه خداوند عال!) به قتل می‌رسند. عید قربان ریشه اش در یک افسانه مذهبی است که روزی خداوند به ابراهیم فرمان می‌دهد فرزندش را برای «رضایت» خدا قربانی کند تا برای خدا اثبات شود که ابراهیم واقعا به خدا ایمان دارد! ابراهیم هم چاقوی تیزی به دست می‌گیرد تا سر پسرش را ببرد. در همین هنگام از طرف خدا پیامی می‌رسد که ای ابراهیم تو ارادت خود را ثابت کردی، حالا یک گوسفند برایت می‌فرستم که به جای پسر، سر گوسفند را ببری! ابراهیم هم خوشحال سر گوسفند را می‌برد. قرن هاست که بر اساس همین داستان دروغین، هر سال میلیون‌ها نفر در دنیا، قتل عام حیوانات بی‌گناه را جشن می‌گیرند!

لازم به تأکید است که نحوه کشتن حیوانات در کشورهای که قوانین اسلامی را رعایت می‌کنند بسیار هولناک تر و دردآورتر از کشورهای دیگر است. در این کشورها، فقط قوانین اسلامی رعایت می‌شود نه این که حیوان درد زیادی بکشد. حکومت اسلامی ایران، با تمام قدرت مواظب است که در کشتارگاه‌ها ذبح اسلامی، رعایت شود. سرپرست حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی کشور در همایش سال گذشته دامپزشکی و ذبح شرعی تبریز گفته است: «چهارصد روحانی ناظر در ۶۱۰ کشتارگاه کشور فعالیت دارند. حجة الاسلام محمدباقر لیاقتی اظهار داشت: هم اکنون در بسیاری از کشتارگاه‌های دام و طیور سراسر کشور ذبح با توجه به اصول و موازین دین مبین اسلامی صورت می‌گیرد. او با تأکید بر نظارت دقیق به واردات محصولات غذایی و گوشتی از سایر کشورها، گفت: «باید توجه داشت که اگر حیوان حلال نیز به شکل شرعی ذبح نشده و شرایطی از جمله ذبح رو به قبله یا گفتن بسم الله رعایت نشود، گوشت آن حرام می‌شود.»

زمین زدن گاو و گوسفند و بریدن خرخره او، پتک زدن بر سر خوک‌ها، یا بیهوش کردن حیوان توسط ضربه مغزی و بریدن شاهرگ بعد از بیهوشی در حالی که حیوان در حال دست و پا زدن و جان‌کندن است؛ خالی کردن شکم حیوان در حالی که جسد هنوز گرم است، حتی تصورش هم دل‌خراش و وحشتناک است. این نوع رفتار خشونت‌آمیز با حیوانات، عواطف انسانی را تخریب می‌کند و به مرور زمان رحم و شفقت انسانی را از بین می‌برد.

تحقیقات نشان می‌دهد که تمام حیوانات تکامل یافته مثل اسب‌ها و گاوها از بوی خون وحشت زده می‌گردند. از این رو، آن‌ها را با ترفندهای مختلف و کتک‌های جان‌کاه وارد کشتارگاه می‌کنند. اغلب گوسفندها را از دم و گردن می‌گیرند و سخت به زمین می‌زنند و در حالی که بع بع می‌کند خرخره او را می‌برند. در جوامع عقب مانده ای مانند جامعه ما، خون گرم آن را بر پیشانی بچه می‌مالند و یا از روی نعش قربانی می‌پرند.

بیش تر این حیوانات را معمولا در کوچکی می‌کشند و یا جان آن‌ها را در اوج زندگی شان می‌گیرند به طوری که حتی بچه‌های آن‌ها، باقی می‌مانند. واقعا ما انسان‌ها، چگونه می‌توانیم این قدر بی‌رحم و خشونت طلب باشیم و حیوانات را این چنین وحشیانه ذبح کنیم، بفروشیم و یا بخوریم؟!

کشتن حیوانات توسط انسان، آشکارا نسل‌کشی موجودات زنده است اما این موجودات خود قادر نیستند قوانینی علیه نسل‌شکی تدوین کنند و جلو این نسل‌کشی را بگیرند؟! به این ترتیب، امروزه به راحتی می‌توان نقش انسان را در به انقراض کشاندن موجودات مختلف تشخیص داد. ما هر سال بیش تر از سال قبل، شاهد از بین رفتن تعداد بی‌شماری از حیوانات و تخریب محیط زیست و زندگی هستیم. در بخش بعدی، به مسأله گیاه‌خواری خواهیم پرداخت.

پنجشنبه سوم حوت ۱۳۹۱ - بیست و یکم فبروری ۲۰۱۳

ادامه دارد.